

سندیکاهای کارگری در ایران

جنبش مشروطیت، پیدایش صنعت و هسته‌های ابتدائی

فصل یک

چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۱۱ می ۲۰۱۱

فرهنگ قاسمی

جنبش مشروطیت ایران و بوجود آمدن انقلاب مشروطه نه تنها حاصل یک سلسله تحولات فکری در روشنفکران و مدیران جامعه بود، بلکه و بدون تردید پیدایش صنعت و کارخانجات کوچک و بزرگ و سرمایه‌گذاری‌های شبه صنعتی، تغییر و تحول شیوه‌های تولیدی، بوجود آمدن گروه‌های کارگری در کارخانجات، انتقال اندیشه ضداستثمار از دکترین‌های غربی و تطبیق آنها با شرایط ایران، رشد احزاب و انجمن‌ها و سندیکاهای در این انقلاب مؤثر بوده است.

از اواخر دوران صفویه و اوائل دوران قاجاریه به مرور روابط سنتی جامعه در اکثر زمینه‌ها از جمله در مورد مسائل مربوط به کار و کارگری دگرگون می‌شود. از این نقطه نظر دوران قاجاریه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای آشنائی با وضع کارگران قبل از هرچیز به سفرنامه «واتس» که در عهد «ناصرالدین شاه» به ایران مسافرت کرده بود، مراجعه می‌کنیم. او در مورد طبقات محروم و زحمتکش ایران چنین می‌نویسد:

وضع طبقه کارگر در ایالات مختلف فرق می‌کند. من وضع آنها را در نواحی نزدیک شهر تهران شرح می‌دهم. کشاورز یا کارگر تقریباً هر نوع شغلی را به عهده می‌گیرد؛ در شهر بصورت عمده، برای گل‌سازی، یا حمل آجر - برای کمک به بند - یا بعنوان باغبان، و یا به نام عمده مزدور در مزرعه آماده خدمت است. ساعت کارش از طلوع تا غروب آفتاب همه روزه به استثناء جمعه است که بطور کلی روز استراحت محسوب می‌شود. در حدود ساعت ده، نیم‌ساعت فرصت برای خوردن ناشتائی دارد و مدت کوتاهی برای خوردن ناهار و ادای نماز به وی فرصت می‌دهند. معمولاً تنبل‌وار کار می‌کند و لازم است کسی ناظر کارش باشد. برای هرروز کار در تهران مزدی معادل پنج و نیم تا یازده پنس - معادل یازده شاهی تا یک قران - متناسب با فصول سال دریافت می‌کند و در دهات بطور کلی بیشتر از تهران مزد می‌گیرد. در زمستان غالباً بیکار است و در بهار، مزد کمی نصیب‌اش می‌شود؛ ولی با شروع تابستان متقاضیان کار وی زیاد می‌شوند و در پائیز میزان مزدش به حداکثر می‌رسد. از مبلغی که روزانه به دست می‌آورد، معمولاً نصف یا سه‌چهارم‌ش را به صبحانه و شام و پوشاک اختصاص می‌دهد و باقی را اگر خرج دیگری نداشته باشد، برای زمستان پس‌انداز می‌کند و یا برای زنش (خانواده‌اش) می‌فرستد. کارگر ایرانی بطور کلی مردی عیال‌وار است. اگر ناچار باشد برای کاریابی از دهکده زادگاه خود به جای دوری برود، معمولاً زنش را همراه نمی‌برد. اگر زن او صاحب

فرزندانی باشد، غالباً در خانه یکی از اعیان خدمتکار می شود. زن کارگر ایرانی با آنکه بندرت در مزرعه به کار می پردازد، تا حدودی قادر است در تحصیل نان خانواده به شوهر خود کمک برساند. می تواند به دوخت و دوز لباس، وصله کردن، یا شستن آن پردازد؛ و (همچنین قادر هست) می تواند وقت بیکاری را برای بافتن پارچه کتانی یا به طرق متعدد دیگر صرف کند. لباس او و اطفالش مختصر و ارزان است. شوهر معمولاً سالی یک دست لباس می پوشد. اجاره خانه ناچیزی می پردازد. غذای عمده کارگران نان است که در تهران معمولاً به نرخ یک من هشت شاهی - چهار پنس - فروخته می شود. گوشت گاو ارزان و در زمستان فراوان است، ولی در فصول دیگر سال، آن را نمی خورند بطور کلی، روستائیان ایرانی اگر قدرت خرید هرروزه آنرا نداشته باشند، هفته ای سه یا چهار دفعه گوشت می خورند. [۱]

رویه مرفه باید گفت در زمان قاجار تا اواسط دوران سلطنت «ناصرالدین شاه» و قبل از آن و بویژه در چهار دهه آخر قرن ۱۹ و پیش از انقلاب مشروطیت، مسئله «کارگر» و «کارفرما» زیاد جدا و دور نبود زیرا کارخانجات بزرگ بوجود نیامده بودند و «کارگر» و «کارفرما» بکمک یکدیگر از حقوق خود در مقابل قدرت های حکومتی مستبد و زمینداران قدرتمند دفاع می کردند. در این دوران، رابطه بین «کارگر» و «کارفرما» - با وجود برتری های مادی و غالباً معنوی کارفرما - بیشتر به صورت عواطف و احساسات پدر و فرزند تظاهر می نمود. از طرف دیگر حکومت مستبد وقت و آداب مرسوم در جامعه سنتی ایران به کارگران اجازه نمی داد در مقابل بعضی از کارفرمایان جبار و ستمگر که امروزه بر تعداد آنان بیش از پیش افزوده شده است حالت دفاعی و تهاجمی بگیرند. «کارگران» همیشه مجبور بودند مطیع اوامر و عقاید «کارفرمایان» باشند و اگر «کارگری» جنبه اعتراضی نسبت به «کارفرما» پیدا میکرد بدون اینکه بوسیله مرجع صلاحیت دار رسیدگی شود، در زمان بسیار کوتاهی کارفرما به هر اقدامی که میلش بود دست می زد و «کارگر محکوم» همه چیز خود را از دست میداد، حتی گاهی شدت عمل «کارفرما» بگونه ای بود که «کارگر» مغضوب را وادار میکرد که شهر و دیار خود را ترک کرده و در شهر دیگری بکار و امرار معاش پردازد. برخی اوقات کارگران مورد تنبیه بدنی کارفرمایان قرار می گرفتند. و اگر مقاومتی از طرف کارگر بعمل می آمد، توسط حکومت در ملاء عام شدیداً تنبیه و گاهی (حتی) بدار آویخته میشد. قبل از مشروطیت و قبل از اشاعه فکر بیداری ایرانیان نسبت به آزادی های فردی و اجتماعی، کارگران به ندرت در مقابل کارفرمایان مقاومت نشان میدادند. کارگر برای کارفرما کار می کرد، زن و فرزند وی نیز برای افراد خانواده کارفرما بعنوان مستخدم خدمت می کردند. در ازای آن، کارفرما نیز زندگی کارگر را تامین می نمود، در محلی که خودش زندگی می کرد به او نیز مسکنی می دادند. کارگر بجز کارهایی که در محل کار برای کارفرما انجام میداد، در منزل نیز اوقات خود را با انجام دادن

کارهای منزل استاد - کارفرما - میگذرانند و عموماً کارگران تمام مدت عمر خود را در خدمت استاد، کارفرما، ارباب و آقای خود می گذرانند. کمتر کارگری پیدا می شد که بعد از مدتی کارکردن از کارفرمای خود جدا شود، زیرا او بعثت شرائط اجتماعی موجود حاضر شده بود همه گونه ظلم و تعدی را بپذیرد و صدایش هم در نیاید. وجود اعتقادات مذهبی و سنتی از یکطرف کارفرمایان را نسبت به کارگران، مسئول بار آورده بود و از طرف دیگر مذهب تخدیری و سنت های غلط که پایه های ساختار سیستم اجتماعی موجود را استحکام می بخشید به کارگران اجازه اعتراض نمی داد و همینطور تفرقه بجهت کیفیت کار او را تخفیف (تضعیف) می کرد.

اصولاً در اقتصاد جامعه فلاحی ایران مسئله طبقه کارگر هنوز مطرح نبود و توجه اصلی معطوف به حقوق اجتماعی بزرگان بود. البته در مرامنامه فرقه مجاهدین ذکری از حقوق اجتماعی کارگران رفته و در تاریخ انقلاب روسیه از تحرک انقلابی کارگران ایران گفتگو شده است. در غالب کشورهای جهان سوم سندیکاها با دخالت سندیکاهای کشورهای متروپل و استعمارگر که دارای سنت مبارزات کارگری و سندیکائی بوده اند بوجود آمده و رشد کرده اند. این اصل را در ممالک تحت استعمار از قبیل الجزائر، تونس، مراکش، و کشورهای افریقای سیاه و برخی از کشورهای آمریکای لاتین میتوان بوضوح مشاهده کرد. اما در ایران این پدیده مشاهده نمی شود و این بدان معنا نیست که کارگران ایرانی بخودی خود منشاء تأسیس سندیکاها بوده اند. مبارزات سندیکائی نیز مانند دیگر پدیده های نوین جوامع در حال توسعه در اثر رشد روابط اجتماعی ملتها پدیدار گشت، رشد پیدا کرد و ویژگی های خود را یافت.

در ایران نیز تعاونی و اصناف زمینه های رشد نخستین سندیکاها هستند. در بسیاری از شهرهای بزرگ ایران تعاونی ها و اصناف از سالها قبل از انقلاب مشروطه و از سالها قبل از اینکه مبارزات سندیکائی بوجود آید تأسیس یافته بودند و مبارزات حرفه ای و صنفی را دنبال می کردند. قبل از انقلاب مشروطیت در اصفهان ۶۰ تعاونی حرفه ای، در کرمانشاه ۲۰ و در تبریز بیش از ۴۰ تعاونی متشکل وجود داشت. اغلب این تعاونی ها در مسائل اجتماعی صاحب نظر بودند و شرکت می کردند؛ بطور مثال در برنامه و خطمشی تعاونی های اصفهان نکات زیر به چشم می خورد:

- دفاع از قانون اساسی و حقوق اساسی مردم.
- ایستادگی در مقابل تقلب هنگام انتخابات مجلس و سعی در فرستادن افراد مطمئن از طبقه متوسط به مجلس.
- دفاع از منافع تعاونی ها.
- بهبود تکنیک های تولیدی و کوشش برای بالابردن سطح تولید و تکنیک و مبارزه علیه بورس بازی.
- دفاع از منافع پیشه وران و سازماندهی تعاونی ها بدون در نظر گرفتن طبقات و تشکل اتحادیه های شغلی مدرن.

نخستین بار در کتاب " اصول علم ثروت ملل " نگارش «میرزا محمدعلی خان فروغی - ذکاءالملک دوم» که در سال ۱۳۲۳ قمری انتشار یافته، از جماعت کارگران بعنوان طبقه اجتماعی جدید سخن رفته است. در این اثر ارزشمند علمی تحول اقتصاد صنعتی، تشکیل طبقه کارگر، هشیاری اجتماعی و تحرک کارگران، حقوق کارگران مثل حق اجتماعی، حق دستکشیدن از کار، تغییر شرائط کار و ترقی وضع مزدوری جملگی مطالعه شده است. از سوی دیگر تشکیل اقشار کارگر در هر جامعه مستلزم رشد صنعت و اقتصاد و تولیدات مانوفاکتور و کارخانه‌ای می باشد. برای اینکه بتوان مطالعه درستی از وضع زندگی و شرائط کارگران بعمل آورد باید ابتدائاً اوضاع اقتصادی و صنعتی جامعه در عصری که اقشار کارگری شکل می گیرند، مورد بررسی قرار گیرد. این کوشش ابتدائی اجازه خواهد داد تا تصور درستی از اوضاع کار و کارگری در آن عصر بدست آید. بدین علت ما به این موضوع مروری سریع اما دقیق می افکنیم.

[۱] - همانجا - صفحه ۴۰۲ و ۴۰۳

ادامه دارد